

پشت‌بوم

هنرمندان و پرچم استقلال



حسین عبدالهاشم‌پور

● ۱- حکایت امروز نیست: هر زمان «دولت فرهنگی» روی کار آمده، «دستان» پدیدآورندگان آثار فرهنگی - هنری در جیب دولت بوده و هر گاه «فرهنگ دولتی» زمام امور را در دست داشته، «چشمان» اهالی فرهنگ و هنر به جیب دولت بوده است؛ راستش نه این و نه آن، انسان که حتی نمی‌توان گفت کدام‌یکی در درازمدت بیشتر به زیان هنر و جامعه هنری است، همین دور تسلسل سبب شده در یک جامعه ۷۰هزچندمیلیونی که برای هر کالای فرهنگی دست کم بازار مصرف ۲۰۰،۰۰۰میلیونی می‌توان تصور بود، گاهی برای شمارش تیراژ کتاب و روزنامه، تماشاگر سینما، تئاتر، تجسمی و... انگشتان دو دست هم کافی است. جلب اعتماد مردم به‌عنوان سرمایه اصلی هر اثر هنری، در اضافی پدیدآورندگان اثر نهفته است و این چیزی نیست که در الاکتدهای سیاسی و آمودشدهای این دولت و آن دولت، شکل گیرد؛ به گمانم حالا که «حسن ظن» فصل مشترک جامعه هنری و دولت است و خود دولت پیشگام واکزاری امور به اهالی فرهنگ و هنر، باید این فرصت را قاطر شناخت و به استقلال مالی آفرینش‌های هنری از جیب دولت بکشد؛ راهکار اساسی‌ای که بیش از همه به تغییر نگاه بنیادین خود جامعه هنری نیاز دارد؛ رنگ‌باختن از تفکر نادرست که دولت پول بدهد تا تئاتر روی صحنه بپرم یا فیلم بسازم.

۲- سیدمحمد بهشتی (که به‌یقین چهره آشنای مخاطبان است) امیدوار بود، بی‌پولی دولت تازه‌آمده، برای جامعه هنری، توقف اجباری‌ای به نام «استقلال» را همراه آورد. او می‌گفت: «مرات ریاضتها و فشارهای هشت‌ساله دولت‌های نهم و دهم بر اهل فرهنگ، یکی باید این باشد که اهل سینما به توان خود اتکا کند و روی پای خود بایستد، سینمای ما باید با بگيرد از تکیه‌دادن به دولت دست بردارد، متأسفانه در طول هشت‌سال دولت قبل، این اتکا افزایش هم یافت. من با حیرت فیلمسازان و تهیه‌کنندگان را می‌بینم که می‌گویند منتظریم ببینیم چقدر پول می‌دهند تا فیلم بسازیم!»

به بهانه ضرورتی، «دولت تدبیر و امید»، با مهندس سینمای دهه طلای ۶۰ر کافه موزه موسیقی» گشت‌وگویی کردم. در بخش پایانی این گفت‌وگو، لنگر بحث به اقتصاد هنر افتاد و تاکید موند بر اینکه جامعه فرهنگی - هنری ما اگر خواهان تحول و تغییر بنایات است باید منابع مالی تازه را خارج از حوزه دولت جست‌وجو کند.

۳- لئوفاک بدیهیم این‌بار این راهی است که خود

هنرمندان باید قدم‌های نخستش را بردارند: چشم بستن

بر بودجه‌های دولتی و یافتن سرمایه‌گذارانی در بخش‌های خصوصی. پیدایندست که ترک عادت دشوار است و چه‌جا ممکن است یکی، دوسال امراضی هم حادث شود اما واقعا

چاره‌ای نیست: باید باور کنیم!اقا «دولت اجازه» رزینده جامعه ایرانی نیست بنابراین یک‌بار برای همیشه باید از

حالت جنبینی و اتصال به جفت درآید و رفته‌رفته روی پای

خودبایستد.

جامعه تجسمی، می‌تواند الگوی مناسبی باشد؛ فضاهای گالری‌ها، آورده‌های مخلصانه بخش خصوصی است که سرانه فضای فرهنگی پایتخت را ارتقا داده است؛ هیچ هنرمندی برای برپایی نمایشگاه از دولت، بودجه درخواست نمی‌کند و دولت هم آگاهانه تلاش دارد با اطمینان‌بخشی به سرمایه‌های این بخش و نظارت دوراوور، نظم حاکم را حفظ کند؛ البته کمی‌جستی همه‌جا هست؛ اما اگر متصفانه نگاه کنیم، جامعه تجسمی از دور و نزدیک سیمای روند رو به پیشرفت دارد؛ جالب اینجاست که این‌روزها بخشی از جامعه تئاتری نیز عزم خود را برای ایال‌آمن به چنین افق‌ی آغاز کرده است و برخی چهره‌ها که به کار خود ایمان دارند و می‌دانند می‌توانند تماشاگر به سالن‌های تئاتر بکشند این پرچم را بالا برده‌اند؛ موسیقی نیز در حوزه‌هایی مثل پاپ با برخی استنادان بنام موسیقی دستگاہی به چنین استقلالی نایل آمده؛ کاش دولت هم با یسترزایی‌هایی مانند معافیت مالیاتی برای بخش‌های خصوصی که در عرصه هنر سرمایه‌گذاری می‌کنند، اختصاص بودجه‌هایش به امور زیربنایی مثل ساخت سالن‌های هنری، فرهنگساز‌ی برای افزایش مصرف کالای فرهنگی در سید خاور و صد البته اتخاذ فرآیندهای تازه برای صدور مجوز و... دلگرمی‌ها را دودچنان کند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

چهارمین جشن فیلم کوتاه مستقل خورشید فراخوان داد

● نخستین پایگاه حمایت از فیلم کوتاه مستقل به‌منظور ترغیب و گسترش مشارکت بخش خصوصی در سینمای کوتاه و نیز شناسایی فیلمسازان خلاق و مستعد و حمایت از بهترین تولیدات این عرصه، «چهارمین جشن فیلم کوتاه مستقل خورشید» را برگزار می‌کند. «چهارمین جشن فیلم کوتاه مستقل خورشید» در دوبخش مسابقه فیلم‌های مستقل و مسابقه تولید فیلم بر گزار می‌شود. بخش مسابقه فیلم‌های مستقل، پیدزای کلیه آثار ای است که در گونه‌های مستند، داستانی، تجربی، انیمیشن و ویدیوآر تا موضوع آزاد و توسط بخش خصوصی، پس از فروردین‌ماه ۱۳۹۲ تولید شده باشند. ۱۰ مهر سال جاری، مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار به دبیرخانه جشن اعلام شده است. این جشنواره ضمن اهدای جایزه به‌بهترین فیلم‌مستند، داستانی، تجربی، انیمیشن و ویدیوآر، به‌بهترین فیلم با موضوعات: زیباترین رویاهای کودک و نوجوان، زنان، حقوق بشر، محیط‌زیست، ایمان و باور و... جوایز ویژه‌ای اهدا خواهد کرد.

مشارکت هنرمندان در کمک به بیماران جذامی مهاباد

شهرام ناظری: خوشحال کردن دیگران، واقعه بسیار مهمی است



پیشانی

نظری

را می‌دید دلش می‌گرفت. متأسفانه امکان نبود که همه، آنها را ببینند ما تا جایی که در تونمان بود یک تیم پزشکی هماهنگ کردیم تا رایگان برخی از امکانات درمانی‌شان به‌صورت مختصر انجام شود. همین مختصر خوشحالشان کرد. خوشحال کردن دیگران، واقعه بسیار مهمی است. در این سال‌ها به جنای‌ها توهنجی نشده است. آدم دلش برای بچه‌های می‌سوزد که جذام ندارند و اینجا زندگی می‌کنند. باید کاری برای اینها انجام دهیم» او از همراهی همیشگی آقایان مظاهری و رحمانیان در همراهی هنرمندان در کارهای خیریه تشکر کرد. داوود محمدی سربدی «شرق» نیز با اشاره به تلاش روزنامه برای بازپادان‌دادن مشکلات کسانی مانند دختران «شبن‌آباد» و بیماران جذامی، افزود: «خبرنگاران «شرق» می‌گویند، افکار عمومی را متوجه وضعیت خاص اینگونه افراد کنند و ضمن برانگیختن حساسیت اقشار مختلف مردم، نیکوکاران در مسیر

پاری‌رساندن به آنان گام گذارند تا روحیه آسیب‌دیدگان تقویت شود و بخشی از مشکلاتشان نیز کاسته شود». محمدی از همراهی هنرمندان و خیرین تقدیر و بر ضرورت تداوم سازنده‌یی شده فعالیت خیران تاکید کرد. شبنم رحمتی، دبیر اجتماعی «شرق» که انتشار گزارش‌های وضعیت دختران «شبن‌آباد» و جذامی‌های مهاباد، حاصل تلاش خبرنگاران سرویس وی بود از دیگر حاضران در جلسه بود. وی پس از رایاه توضیحی پیرامون روند پوشش خبری این رخندها گفت: «بعد از انتشار این گزارش‌ها بسیاری از هنرمندان از جمله آقای ناظری و اسنان‌های نیکوکاری مثل شما حاضران، پیشقدم شدند تا کمک کنند. این فتح پلج شد تا ما به کمک کسانی برویم که دچار بیماری‌هایی هستند و خیلی در مرکز توجه قرار ندارند. ما تلاش می‌کنیم پلی از نباطی باشیم برای

هنر

مشارکت هنرمندان در کمک به بیماران جذامی مهاباد

رفتند و در میان‌شان زندگی کردند و با رعایت، بیمار هم نشدند.»

حضور منتقم جوانان

حضور محمد معتمدی به عنوان هنرمند جوان در این برنامه خبریه از نظر ناظری یک اتفاق مهم بود. معتمدی هم با ابزار خرسندی برای دعوتش در این جمع گفت: «همه کسانی که اینجا هستند استادان من هستند و همه مردم ایران استاد ناظری را به‌عنوان هنرمند برجسته می‌شناسند و واقعا یکی از خوش‌قلب‌ترین و خیرترین هنرمندان ایران هستند که قلب بزرگی دارند. شاید خیلی‌ها از این خصلت استاد ناظری خبر نداشته باشند اما قلب بزرگی دارند. من توقف نداشتم شاگرد ایشان باشم. این جلسه را به عنوان جلسه اول شاگردی خودم به حساب می‌آورم و اولین درسی که از ایشان گرفتم درس انسانیت و بزرگواری و اسنان‌دوستی بود. هر وقتی هم که تاریخ تعیین کنند درسمان را پس می‌دهیم.»ناظری حضور جوانانی مثل معتمدی را بسیار مهم دانست اما گفت که نباید از آنها انتظار کمک داشته باشیم؛ «آنها کمک را به وقتش انجام می‌دهند. این حضور برای یک هنرمند جوان خوب است برای اینکه نه ذهنش بملد و در زمان لازم کارش را انجام دهد. هنرمندان مورد اعتماد مردم هستند. به‌خصوص هنرمندانی که امتحانشان را پس داده‌اند. مثل جناب ناصرملک‌مطیعی. مردم اعتقادی نسبت به افراد شاخص و هنرمندان دارند. زمانی بود تختی در رزله بوین زهرا به خیابان آمد تا کمک جمع کند. هرچقدر که او می‌گفت مردم کمک می‌کردند زن‌ها دستپن‌دشان را باز می‌کردند و هدیه می‌دادند؛ چراکه تختی این کمک‌ها را جمع می‌کرد؛ آدمی که امتحانش را پس داده بود؛ آدمی که امتحان وایشش را پس داده و جامعه دوستش دارد. هنرمندان هم به‌خصوص آنهایی که سابقه پیدا می‌کنند همین‌طور هستند و می‌توانند موثر باشند. من از هنرمندان دیگر چون حسین علیراده که می‌توانند تاثیر بگذارند، دعوت می‌کنم.»محمد معتمدی در ادامه صحبت‌های ناظری یک

پیشنهاد به اهالی موسیقی داد: «همیشه این در ذهنم به عنوان طرح وجود داشته که کنسرت‌هایی که در ایران برگزار می‌شود گردش مالی بالایی دارد اما یک‌درصد هیچ نیست اما در کل کنسرت‌هایی که در ایران برگزار می‌شود خیلی می‌شود. ما بایبیم صندوق خیریه‌ای تأسیس کنیم و هنرمندانی که دوست دارند، عضو آن شوند و کمیسیون را راه‌اندازی کنند که یک درصد را در کنسرت را به این صندوق تقدیم کنند. این صندوق بابت کارهای خیریه برای موسسه خیریه محک و کودکان نقص ایمنی و کودکان کار باشد. این یک‌درصد خیلی مهم است.»بعد از این کمک‌های هنرمندان و خیرین و روزنامه شرق جمع‌آوری و قرار شد که این کمک‌ها در اولین فرصت در اختیار بیماران جذامی مهاباد قرار گیرد.

در حاشیه اجرای «تیستوی سبز انگشتی»

آدم‌بزرگ‌ها اینجوری‌اند



امین عظیمی

سوی دیگر با ایجاد گسست روایی و نیز اشاره به نوستالژی این کتاب برای روی بزرگسال که خودش را یک دخترچیز عاشق تیستو معرفی می‌کند.مخاطب کودک را در میانه سرگشتگی رها می‌کند. اجرای زوج پورمختار- جدیدکار در تبدیل وجوه فلسفی و عمیق این اثر به زبان صحنه نیز ناآیدکننده است. متن و اجرا ناتوان از تبدیل شخصیت دودعی تیستو در کتاب به کاراکتری سبهدی و ملموس در صحنه است و با حاشیه‌روی و بهادادن به عناصر دیدار همچون مجری برنامه تلویزیونی شهر «امیرپول» که کلامش خالی از تکه‌برای‌های سیاسی عوام‌پسنده‌نیز نیست، تنها به پرکردن فضای صحنه از طریق کمیت عناصر می‌اندیشد. در صورتی که شمایل تیستو و پرسش‌های نغزی که در کتاب طرح می‌کند امکان از زندانی برای شخصیت‌پردازی دراماتیک او ایجاد سبهدی و ملموس در صحنه است و با حاشیه‌روی و بهادادن به عناصر دیدار همچون مجری برنامه تلویزیونی شهر «امیرپول» که کلامش خالی از تکه‌برای‌های سیاسی عوام‌پسنده‌نیز نیست، تنها به پرکردن فضای صحنه از طریق کمیت عناصر می‌اندیشد. در صورتی که شمایل تیستو و پرسش‌های نغزی که در کتاب طرح می‌کند امکان از زندانی برای شخصیت‌پردازی دراماتیک او ایجاد می‌شود و سعی می‌کند با نگاه بی‌قید و آرایش به آنها نشان دهد تاچه حد در ترکی معنای زندگی ناتوان و زبون هستند. اگر شازه کوچولو از اختر ک آسمانی‌اش به کارخاک می‌سفر می‌کند، تیستو در حقیقت فرشته‌ای است که در زمین متولد می‌شود و در انتها به سمت آسمان بال می‌گشاید؛ پسری چشم‌پی‌ای که با انگشت‌های جالویی و سیزنگش به هرچیزی که دست می‌زند حاصلش رویش گل‌ها و گیاهان فرخیش و زنده‌ای است که دنیای خاکستری آدم‌ها را عسقر رنگ، نور و طرבות می‌کند. «تیستوی سبز انگشتی» با وجوه نمادین و شاعرانه و روایت عمیق و پرلطف‌اش برای هر گروه تئاتری، گنجینه‌ای می‌هتا؛ از امکانات صحنه‌ای است؛ امری که در نخستین شب اجرای این اثر در سالن چهارسو بیشتر به روایتی شاینده، پرانکند و پرداخت‌نشده بدل شده بود و تنها خوانشی سرودستی از این کتاب را به نمایش می‌گذاشت. با آنکه نیمه تمثیلی کوئیده‌بود از طریق ایجاد خطوط روایی چندگانه به الگوی دراماتیک دست پیدا کند- ماجرای گمشدن تیستو و بازیابی معجزاتی که او انجام داده در پیوند با حضور روی فریبا جدیدکار- و همچنین گوینده تلویزیونی- حسن معجونی- اما- محصول نهایی دچار نوعی سلخ‌نگی و گسستگی روایی است. این امر در کنار تضعیف وجوه فلسفی و عمیق داستان اصلی باعث کشش‌های تزیینی و طنزای مخاطب‌پسند، در تعیین قلمرو مخاطبان خویش نیز دچار سرگشتگی است. از یکسو می‌کوشد برپایه فلتزی بصری مخاطب کودک را برافکندارد و از



نخستین

سه‌شنبه • ۲۵ شهریور ۱۳۹۳

چهره روز

مقررات «جشنواره فیلم فجر» تغییر می‌کند

حذف داوری سلیقه‌ای



● دبیر جشنواره فجر اعلام کرد این جشنواره به‌عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین رویداد سینمایی کشور نیاز به تغییراتی داشته و به‌زودی مقررات جشنواره و سازمان اجرایی آن مشخص و سازمان اجرایی آن مشخص می‌شود. علیرضا رضاداد، دبیر «جشنواره فیلم فجر» درباره تغییرات پخش بین‌الملل گفت: «به‌زودی مقررات جشنواره مستقل و سازمان اجرایی آن مشخص و اعلام می‌شود و این آغاز مسیری جدید برای رشد سینمای ایران است. جشنواره بین‌المللی داری دو بخش رقابتی خواهد بود. قطعلا جشنواره با توجه به نیازهای امروز سینمای جهان می‌تواند جشنواره‌ای منحصربه‌فرد و متقاضیان و مخاطبان مهم و زیادی داشته باشد که البته شرط موفقیت آن بالابردن استانداردهای برگزاری است.»او با بیان اینکه باید دایره شناسایی و انتخاب‌هایمان را مستقیما به تولیدات کشورهای مختلف گسترش دهیم، افزود: «فقط به فیلم‌های انتخاب‌شده توسط جشنواره‌های دیگر بسنده نکنیم و از این‌کلاف فعالیت دریابیم.»می‌توانیم جنبه منحصربه‌فرد خودمان را پیدا کنیم و به نمایش بگذاریم و به اهدافمان نزدیک شویم.»رضاداد در ادامه درباره تعداد آثار حاضر در «جشنواره فیلم فجر» نیز یادآور شد: «تعداد فیلم‌ها باید متناسب با امکان و زمان داوری باشد و اینکه داوران ۲۰ یا ۳۰ فیلم را در مدت زمان مشخصی مورد ارزیابی قرار دهند خیلی متفاوت است. باید تلاش کنیم هیات‌های انتخاب تحت فشار انتخاب بیش از ۲۲ فیلم قرار نگیرند و این نکته مهمی است که اسمال مفید هستیم در مقررات قید کنیم تا خودمان را محدود کنیم.»دبیر «جشنواره فیلم فجر» در ادامه تاکید کرد: «می‌دانیم حذف سلیقه‌ها از داوری در هر جا و هر مرحله کار سختی است اما ما باید تلاش کنیم این کار سخت را انجام دهیم. فصل بین داوری‌های گوناگون با سلاطین و تشخیص‌های متفاوت نباید زیاد باشد و اگر ما آن پیوسته‌ها و آیین‌نامه‌ها را تهیه کنیم تا حدودی می‌توانیم نسبت خودمان را با آثار و متقاضیان بهتر برقرار کنیم.»رضاداد گفت: «در برخی دوره‌ها دیداریم که هیات‌های انتخاب بیشتر به سمت فیلم‌های دراماتیک گرایش پیدا کرده‌اند و این را بیشتر نیاز سینمای ایران می‌دانستند. در دوره‌های دیگر مولفه‌های هنری یا تناسب آنها با مخاطبان جشنواره‌ای به‌عنوان مخاطبان خاص انتخاب غالب یا دلپذیر هیات انتخاب بوده و یک دوره‌هایی گرایش به‌سوی ناهما و شهرت فیلمسازان بوده است.»

خبر

فراخوان نهمین دوره جایزه کتاب سال شعر – «خبرنگاران»

● **شرق:** این جایزه در بخش‌های کتاب، ویژه (شاعران بدون کتاب) و تجلیل از یک عمر فعالیت شعری، همچون گذشته با داوری جمعی از شاعران خبرنگار و فعال رسانه در حوزه شعر و ادبیات، برگزار می‌شود. این دوره از جایزه کتاب سال شعر- خبرنگاران، با دبیری علیرضا بهرامی، از شاعران و ناشرانی که در سال ۱۳۹۲ مجموعه شعر منتشر کرده‌اند، دعوت می‌کند تا با توجه به شرایط زیر در بخش کتاب سال جایزه شرکت کنند:

۱- کتاب در سال ۱۳۹۲ منتشر و در شناسنامه کتاب ذکر شده باشد.

۲- چاپ اول و به زبان فارسی در ایران منتشر شده باشد.

۳- برگزیده اشعار با مجموعه گروهی نباشد.

علاقه‌مندان به شرکت در این بخش باید پنج‌نسخه از اثر خود را تا ۱۳ آبان ۱۳۹۳ به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۸۷- ۱۳۳۵۵، دبیرخانه جایزه کتاب سال شعر- خبرنگاران، بفرستند.

در بخش ویژه که برای کشف استعدادهای شعری برگزار می‌شود، آن دسته از شاعرانی که در هر سنی، تاکنون مجموعه شعر منتشر نکرده‌اند، آثار خود را با توجه به شرایط زیر، تنها از طریق نشانی پست الکترونیکی shaahin.fathyana@gmail.com می‌توانند بفرستند.

شرکت‌کنندگان در این بخش نباید تاکنون (چه در سال‌های گذشته و چه در سال‌جاری کتاب مجموعه شعر در ایران منتشر کرده یا برای انتشار به ناشری سپرده باشند.

۲) مجموعه شعرها باید به زبان فارسی باشد.

۳) تعداد شعرها بین ۴۰ تا ۵۰ قطعه بوده و در صورت نرسیدن به این تعداد، لازم است تعداد صفحه‌های فراماتوزی- لیمه ابدنه و مثل آدبیزر گهای قصه اصلی

۴) آثار باید حتما در فرمت ویندوز word ۲۰۰۳ یا word ۲۰۰۷ حتما با قلم Times New Roman باشد. در فرستادن اثر در قالب pdf با پرنیت جدا خودداری

نخستین